دیدگاه

واکسن، تاریخ و سیاست

ادامه از صفحه اول

نکته تلخ و شیرین واکسیناسیون در ایران گریه امیرکبیر برای مقاومت مردم جهت تزریق واکسن است که وقتی داستان خیالی تزریق ماده یا دستگاهی از طریق واکسن کرونا به بدن انسان را همین روزها در رسانه‌ها می‌خوانیم و می‌شنویم که با واکسن کرونا ریزتراشه‌های قابل‌ردگیری در بدن انسان‌ها قرار می‌گیرد یا واکسن کرونا DNA انسان‌ها را دستکاری می‌کند، به یاد شایعه ورود جن به خون انسان‌ها از طریق واکسن می‌افتیم که وقتی خبرش به امیرکبیر رسید، فرمان داد هر کس واکسن آبله نزند، باید ۵ تومان جریمه بدهد؛ اما نفوذ سخن شایعه‌پردازان ناآگاه در مردم بیشتر بود؛ چون پولدارها ۵ تومان پرداختند تا آبله‌کوبی نشوند و قاطبه مردم از ترس مأموران وقت اداره بهداشت و تزریق واکسن، فرزندان خویش را پنهان می‌کردند که این کار اشک امیرکبیر را درآورده بود که البته جهل و خرافه‌پرستی مردم را نتیجه کم‌کاری مسئولان در فرهنگ‌سازی می‌دانست. از سیر تدریجی واکسیناسیون ایرانیان در تاریخ قاجار و پهلوی می‌گذریم و به انقلاب اسلامی می‌پردازیم که شاید جوانان و نوجوانان افسانه بدانند؛ اما میانسالان و معمرین انبوهی از فرزندان ایرانی را در خیابان‌ها و خانواده‌ها می‌دیدند که فلج بودند و معروف بود که در دنیا از هر ۲۰۰ کودک مبتلا به فلج اطفال، یک کودک فلج می‌شد و دردناک‌تر اینکه این بیماری مسری بود و واهمه از ابتلای فرزندان، امنیت روانی خانواده‌ها را مختل کرده بود. حق مردم ایران بود که عزم ملی برای مقابله با این بیماری ایجاد شود، اما اتفاقات سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب، اختلافات سیاسی، درگیری‌های خیابانی و سرانجام جنگ تحمیلی ۸ ساله، فرصتی برای مردم و مسئولان نمی‌گذاشت که به چاره‌اندیشی بنشینند تا اینکه دولت سازندگی در ایران تشکیل شد؛ دولتی که برخلاف ادعاهای غیرمستند منتقدان مخالف یا مخالفانی که ردای انتقاد به تن کرده بودند، به سازندگی شاخص‌های متعددی داد و یکی از برنامه‌هایش توسعه پزشکی در همه علوم میان‌رشته‌ای و مشخصا مقابله با بیماری‌های مسری و به ویژه فلج اطفال بود. از آنجا که، در زمان زندان دوران مبارزه آیتا... هاشمی‌رفسنجانی، خواهرم فاطمه به این بیماری مبتلا شده بود، ایشان به‌حق دریافته بود که وجود یک کودک بیمار چگونه روحیه افسردگی را به خانواده و جامعه تزریق می‌کند. با شروع مسئولیت اجرائی خویش مبارزه جدی با بیماری‌های مسری و به ویژه فلج اطفال را از مسئولان وقت بهداشت و درمان مطالبه کرد که در اقدامی بسیار کارساز، مبارزه همگانی با این بیماری در روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۷۳ با عنوان «طرح ملی ریشه کنی فلج اطفال» برگزار شد، که طی آن در ۱۲ ساعت ۹ میلیون کودک ایران واکسینه شدند که البته طی دو مرحله دیگر یعنی در سال‌های ۷۴ و ۷۵ خیال همه ایرانیان را از خطر ابتلای به این بیماری راحت کرد. ریشه‌کن کردن فلج اصفال یکی از مهمترین موفقیت‌های بهداشت و درمان ایران در صد سال گذشته و اجرای همگانی واکسیناسیون فلج اطفال در ایران یکی از بزرگترین طرح های بهداشتی در جهان شناخته شد؛ زیرا این اقدام در نصف روز برای ۹ میلیون کودک زیر پنج سال در کل کشور به اجرا درآمد و پوشش واکسیناسیون این بیماری از ۲۰ درصد به بیش از ۹۵ درصد رسید که در نهایت اقای کارول بلامی مدیر اجرایی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل در نامه‌ای به آیتا... اکبر هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری وقت اجرای یک روزه برنامه واکسن ضدفلج کودکان را موفقیتی بزرگ و طرحی بی‌نظیر خواند. حالا از آن روزها، سال‌ها می‌گذرد، آیتا... هاشمی‌رفسنجانی نیز آسمانی شد؛ اما این‌بار یک ویروس دیگر، همزمان با دنیا، ایران عزیز ما را نیز درنوردید و سخت است که در آمار رسمی بشنویم نزدیک به ۷۰ هزار هموطن ما را به کام مرگ برده و اگر هر قربانی کرونا، سه خانواده را به سوگ نشانده باشد؛ ۲۱۰ هزار خانوار را سیاه‌پوش کرده است و میلیون‌ها ایرانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر این بیماری و عوارض آن شده‌اند. با شروع سال ۱۴۰۰ که نقطه آغاز یک قرن جدید است، به خاطر موج چهارم جدال ایرانیان و کرونا، یک‌بار دیگر واژه واکسن بر سر زبان‌ها افتاد و همه از اهمیت آن می‌گویند و بعضی‌ها که اندک انصاف سیاسی دارند، از تجربه دولت سازندگی می‌گویند که چگونه در آن شرایط بحرانی که تحریم مثل این روزها بود، با یک بسیج عمومی کاری کرد که امروزه با یقین کامل می‌توانیم ادعا کنیم که بیماری فلج اطفال در ایران از بین رفته؛ اما دریغ و درد که سیاست و نگاه غیرکارشناسانه یک موضوع کاملا انسانی را گروگان گرفته و آلوده به برنامه‌های خویش کرده و مصداق ضرب‌المثلی شده که «کسانی از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند.» متاسفانه امروز در ایران، آب که در این شرایط همان واکسن کروناست، به گل سیاست آلوده شده و متاسفانه‌تر، ماهی این آب گل‌آلود جان انسان‌هاست که دلالان با قلاب دلار به صید آن مشغوله و آدم هر چه می‌خواهد به برنامه‌های مسئولان و اظهارنظرهای آنان خوش‌بین باشد؛ وقتی اتفاقات این روزهای بهشت زهرا و سایر آرامستان‌های شهرهای بزرگ را از طریق رسانه‌های رسمی و بعضا فضای مجازی می‌بینند و می‌شنود، نمی‌شود.

حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تندروها قصد دارند زمینه‌های خروج ایران از برجام را در انتخابات فراهم کنند

انتخاباتی کردن برجام به‌معنای تحمیل تحریم بیشتر به مردم است

قرار نیست تحریم‌های بیشتری به مردم تحمیل شود

برخی از پشت به دیپلمات‌های در حال مذاکره سنگ‌اندازی می‌کنند

برای برخی فضای سیاسی به سرگرمی تبدیل شده است

نتیجه انتخابات راهبرد هسته‌ای ایران را تغییر نخواهد داد

فضای فکری برخی چهره‌های سیاسی با فضای فکری مردم متفاوت است

راهبرد نظام ادامه مذاکره در چارچوب خطوط تعیین شده است

سیاست خارجی نباید به محل مناقشه کاندیدای ریاست‌جمهوری تبدیل شود

مردم به‌راحتی خائن را از غیرخائن تشخیص خواهند داد

آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی که مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی در حال پیگیری است؛ برخی از کاندیداهای مطرح شده برای انتخابات ریاست‌جمهوری با موج‌سواری روی نتایج احتمالی این مذاکرات در حال مانور تبلیغاتی به سود خود هستند. این در حالی است که نتایج مذاکرات هنوز مشخص نیست، اما آنچه از قرائن و شواهد برمی‌آید به احتمال زیاد ایران و آمریکا به تعهدات برجامی خود باز خواهند گشت؛ بازگشتی که با تغییر دولت در ایران همراه خواهد بود و نیازمند سازوکار جدیدی برای تصمیم‌گیری است. به همین دلیل نیز بسیاری از معادلات سیاسی آینده ایران و آمریکا به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران بستگی دارد. با یدن نیز با از بین بردن زمان تلاش می‌کند از فضای انتخاباتی ایران به سود خود استفاده کند. برای تحلیل و بررسی این موضوع «آرمان ملی» با دکتر حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم گفت‌وگو کرده است. وی در این زمینه معتقد است: «برای برخی از سیاستمداران تنها پیروزی در انتخابات دارای اهمیت است؛ فضای فکری مردم در اولویت بعدی قرار دارد یا اینکه اصلا دارای اهمیت نیست. برای این عده مهم نیست که مردم ممکن است با چه خون‌جگری پای صندوق‌های رأی بیایند؛ مردمی که در دوران جنگ تحمیلی و در دوران تحریم‌ها پای صندوق‌ها آمده‌اند امروز با چالش‌های بسیار بزرگی در زندگی روزمره خود مواجه هستند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مذاکرات ایران و کشورهای غربی چه نقشی در برنامه‌های انتخاباتی کاندیدای ریاست‌جمهوری در ایران دارد؟ چرا برخی از کاندیداهای احتمالی انتخابات در حال سرمایه‌گذاری انتخاباتی روی نتایج مذاکرات بین ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا هستند؟

موضوع سیاست خارجی ایران نباید تبدیل به محل مناقشه برای کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شود. از سوی دیگر موضوع ایران نیز نباید به یک موضوع انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا تبدیل شود؛ هر دوی این موضوعات دارای اهمیت هستند و باید به آن توجه کرد و بنده بارها آنها را متذکر شده‌ام. متأسفانه جریان‌های سیاسی در ایران این موضوعات را به برد یا باخت یا فعالیت سیاسی خود گره زده‌اند و آن را در آینده خود تأثیرگذار قلمداد می‌کنند. به همین دلیل نیز به مناقشات سیاسی پیرامون آن دامن می‌زنند. از ۱۵ سال قبل به دلیل اینکه موضوع سیاست خارجی و برنامه هسته‌ای ایران به محل مناقشه جریان‌های سیاسی تبدیل نشود تصمیم‌گیری درباره این موضوع با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی گره زده شد و مسئولیت آن به شورای عالی امنیت ملی سپرده شد. این شورا در دو دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و پس از آن در دو دولت آقای احمدی‌نژاد مسئولیت تصمیم‌گیری درباره برنامه هسته‌ای را برعهده داشت. این در حالی بود که مسئولیت اجرای تصمیمات به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی سپرده شده بود و به همین دلیل دبیر شورای عالی امنیت ملی مسئولیت پیگیری موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را داشت. با این وجود در دولت آقای روحانی در یک اقدام تخصصی مسئولیت اجرای تصمیمات شورای عالی امنیت ملی از دبیر خانه این شورا به وزارت امور خارجه سپرده شد. در عمل نیز مشاهده شد در حالی که بخشی از دبیران شورای امنیت ملی از زبان تعامل با جهان برخوردار نبودند اما این زبان تعامل توسط وزارت امور خارجه دولت آقای روحانی به خوبی نشان داده شد و به همین دلیل اقدامات موثری در عرصه سیاست خارجی ایران انجام شد. یکی از مهمترین دستاوردهای این رویکرد تخصصی توافق برجام بود. توافق برجام نیز تصمیم وزارت امور خارجه نبود؛ بلکه تصمیم ساختار کلی نظام سیاسی و شورای عالی امنیت ملی بود. پس از توافق برجام نیز به‌رغم هشدارها و تذکراتی که داده می‌شد برنامه هسته‌ای ایران و برجام به موضوع انتخاباتی در بین کاندیدای ریاست‌جمهوری تبدیل شد. این اتفاق در آمریکا نیز رخ داده و در این کشور نیز برجام به یکی از مهمترین موضوعات انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور تبدیل شد. در نهایت نیز با به قدرت رسیدن ترامپ اولین ضربه اساسی به برجام وارد شد و آمریکا از این توافق خارج شد. در چنین شرایطی در ایران همه خطوط قرمز برای انتخاباتی کردن برجام از بین رفت و جریان‌های سیاسی هر کدام با رویکردهای مخصوص به خود درباره برجام قضاوت کردند.

برنامه هسته‌ای ایران و برجام چه جذابیتی برای کاندیداهای انتخابات دارد که تلاش می‌کنند از آن به عنوان یک اهرم برای رسیدن به هدف استفاده کنند؟

در شرایط کنونی که مجلس یازدهم شکل گرفته و دولت آقای روحانی نیز در ماه‌های آخر عمر خود قرار دارد مصوبه‌ای در مجلس تصویب شده که دولت نیز تلاش کرده رویکرد خود را با این مصوبه تطبیق بدهد. البته در چند مورد نیز اختلاف‌نظر وجود داشته که در نهایت شورای عالی امنیت ملی نیز به موضوع ورود کرده است. براساس این تصمیم قرار شده یک فرصت سه ماه برای تعامل هسته‌ای فراهم شود و پس از این زمان شرایط برای مذاکره شکل بگیرد. در نهایت نیز مذاکرات در همین قالب شکل گرفته است. به عبارت دیگر تیم مذاکره‌کننده از طرف شورای عالی امنیت ملی مأموریت دارد. شورای امنیت ملی نیز در این مذاکرات خطوط قرمزی را مشخص کرده که بخشی از این خطوط قرمز ناشی از خطوط قرمز همیشگی است و بخشی نیز ناشی از سیاست جدید کشور در راستای راستی‌آزمایی تحریم‌های آمریکا است. این در حالی است که قانون جدید مجلس نیز در دستور کار قرار گرفته است. در چنین شرایطی هرگونه تلاش برای انتخاباتی کردن موضوع هسته‌ای به معنای تحمیل تحریم‌ها به ملت ایران به مدت چند ماه دیگر است و تا مرداد ماه سال آینده که دولت جدید در ایران شکل بگیرد، مردم همچنان باید در وضعیت تحریم به‌سر ببرند. این در حالی است که هنوز مشخص نیست دولت آینده با چه‌رویکردی برسر کار خواهد آمد و چه رفتاری با برجام خواهد کرد. سیاست کلی کشور نیز چنین تدوین نشده؛ بلکه قرار است شورای عالی امنیت ملی در قابل همان خطوط تعیین‌شده در زمینه مذاکره حرکت کند. در چنین شرایطی حتی اگر دولت جدید راهبرد جدیدی نیز در این زمینه داشته باشد باید دیدگاه‌های خود را به تصویب شورای عالی امنیت ملی برساند. بنده معتقدم در هر شرایطی راهبردی که امروز دنبال می‌شود در آینده نیز دنبال خواهد شد و رویکرد دیگری وجود نخواهد داشت. راستی‌آزمایی بازگشت آمریکا به برجام و بازگشت تعهدات ایران درباره برجام در دستور کار نظام است و نتیجه انتخابات در این تصمیم‌گیری‌ها نقشی نخواهد داشت.

> در روابط دیپلماتیک اخلاق آخرین چیزی است که وجود دارد. بدون‌تردید کار بایدن از کشتن زمان غیراخلاقی بوده است. این در حالی است که اگر نوعی دوگانگی و چنددستگی در ایران وجود داشته باشد زمینه برای کسانی که به دنبال از بین بردن زمان و گرفتن امتیازات بیشتر هستند، فراهم است

موضوع تحریم ایران برای عده‌ای در اولویت نیست و این عده برنامه‌های انتخاباتی خود را بدون توجه به موضوع تحریم‌ها جلو می‌برند. مهمترین پیامد چنین اقداماتی در آینده چه خواهد بود؟

کسانی که از تحریم ایران استقبال می‌کنند به همان شکل که ترامپ با زمینه‌سازی در انتخابات از برجام خارج شد، تلاش می‌کنند در فضای انتخابات زمینه خروج ایران از برجام را فراهم کنند. این اتفاق در شرایطی رخ خواهد داد که دولت آینده ایران از کسانی تشکیل شود که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به برجام و مذاکرات هسته‌ای داشته باشند. واقعیتی که در شرایط کنونی وجود دارد، این است که تصمیم ایران و آمریکا درباره برجام مشخص است. در شرایط کنونی جهان رویکرد دیپلماسی را با ایران انتخاب کرده و در آینده نیز در همین مسیر حرکت خواهد کرد. در چنین شرایطی همه‌چیز به مسیر تعیین‌شده بستگی دارد که تحریم‌ها به چه صورت تعلیق شده و تعهدات دوباره بازگردند. مردم ایران به اندازه‌ای در دوران تحریم سختی کشیده‌اند که به خوبی می‌توانند خائن و غیرخائن را از همدیگر تشخیص بدهند. بدون‌تردید تلاش برای حفظ سایه تحریم‌ها بر سر مردم باعث یأس و دلسردی خواهد شد. این یأس و دلسردی نیز در فضای انتخابات خود را نشان خواهد داد. این نکته‌ای است که جریان‌های سیاسی باید آن را درک کنند. .ممکن است برخی از افراد و گروه‌های سیاسی؛ اعم از اصلاح‌طلب یا اصولگرا به موضوع برجام نگاه انتخاباتی داشته باشند. واقعیت این است که فضای فکری برخی چهره‌های سیاسی با فضای فکری مردم متفاوت است. در شرایط کنونی مردم ایران درگیر مشکلات معیشتی و اقتصادی، فساد اداری، بروکراسی طویل و عدم‌اعتماد در حوزه اقتصادی و اجتماعی هستند و با نوسان‌های موجود اقتصادی احساس می‌کنند آینده اقتصادی خانواده ممکن است با مخاطرات بسیار مواجه شود. در کنار این مساله، بخش‌هایی از جامعه به دلیل وجود بیمار کرونا در محیط خانواده دغدغه جان خود را دارند. فضای واقعی ذهن مردم جامعه در چنین شرایطی قرار دارد. این در حالی است که برخی افراد از کانال‌های مختلف واکسن خود را زده‌اند و با عالی‌ترین سیستم پیشگیری در حال گذران زندگی هستند و از مکنت مالی و اقتصادی برخوردارند و فرزندان نالایق‌شان از رانت‌های مختلف استفاده می‌کنند و مناصب سیاسی و فرصت‌های اقتصادی را به نام خود قبضه کرده‌اند. بنابراین طبیعی است که فضای فکری چنین افرادی با واقعیت‌های زندگی مردم همخوانی نداشته باشد. برای بسیاری از این افراد دغدغه‌های مردم و فضای سیاسی بیشتر یک فضای سرگرمی است.

آیا تفاوت ذهنیت برخی سیاستمداران و مردم در میزان مشارکت در انتخابات تأثیرگذار است؟

برای برخی از سیاستمداران تنها پیروزی در انتخابات دارای اهمیت است؛ فضای فکری مردم در اولویت بعدی قرار دارد یا اینکه اصلا دارای اهمیت نیست. برای این عده مهم نیست که مردم ممکن است با چه خون جگری پای صندوق‌های رأی بیایند؛ مردمی که در دوران جنگ تحمیلی و در دوران تحریم‌ها پای صندوق‌ها آمده‌اند امروز با چالش‌های بسیار بزرگی در زندگی روزمره خود مواجه هستند. این در حالی است که عده‌ای که تنها به منافع فردی و گروهی خود می‌اندیشند انتظار دارند در چنین شرایطی نیز مردم پای صندوق‌های رأی بیایند و از آنها حمایت کنند. شاید خواسته این افراد، که پیروزی در انتخابات است، تأمین شود اما برگزاری چنین انتخاباتی در چنین شرایطی باعث دلسردی و ناامیدی مردم نسبت به آینده خواهد شد. امروز مردم از سیاستمدارانی که فضای ذهنی آنها با فضای ذهنی مردم متفاوت است، متنفرند و هیچ علاقه‌ای به حمایت از آنها در انتخابات ندارند. کسانی که درگیر فضای انتخاباتی هستند تلاش می‌کنند مهمترین چالش کنونی کشور؛ یعنی چالش هسته‌ای را زمان‌بر کنند تا برای آنها سود داشته باشد. بخش عمده‌ای از فعالان سیاسی، که با رانت در فضای سیاسی حضور دارند با پشتیبانی از روابط ناسالم اقتصادی ناشی از تحریم‌ها در فضای سیاسی حضور پیدا کرده‌اند. کسانی که هیچ‌گاه درباره هزینه‌های تبلیغاتی خود به مردم پاسخگو نبودند، کسانی هستند که با کاسبان تحریم‌ها بی‌ارتباط نیستند. زمانی که کشور در تحریم قرار دارد؛ حتی اگر نفت کشور نیز با قیمت نازل فروخته شود و برای مردم سودی نداشته باشد برای منافع آنها سود زیادی دارد و پول‌های زیادی نصیب این عده می‌شود. همین پول‌های کثیف در فضای انتخابات توسط برخی چهره‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنده معتقدم این همه چالش در حوزه سیاست خارجی و به‌خصوص برجام در کشوری که شورای عالی امنیت ملی مسئولیت پرونده هسته‌ای آن را برعهده دارد، یک چالش کاذب است که شورای عالی امنیت ملی باید به این موضوع ورود کند. تنها نتیجه این وضعیت آن است که توان چانه‌زنی دیپلمات‌های کشور را کاهش می‌دهد. زمانی که دیپلمات‌های کشور در حال مذاکره هستند و از پشت به آنها خنجر می‌زنند به معنای این است که حتی طرف‌های خارجی نیز ممکن است سیاست از بین بردن زمان را در دستور کار قرار بدهند. به همین دلیل کشور نیازمند مدیریت مذاکرات هسته‌ای در سطح کلان و دیپلماسی عمومی درباره مذاکرات هسته‌ای در داخل کشور است. بدون‌تردید با کشتن زمان و حل نشدن چالش‌های موجود تنها مردم از چنین وضعیت آسیب خواهند دید.

> موضوع مهمی که در شرایط کنونی مطرح است بازگرداندن برجام به شرایط امروز است. این در حالی است که اختلاف طرفین بر سر تحریم‌های ثانویه است؛ تحریم‌هایی که در زمان اوباما نیز به‌رغم برداشته شدن نام تحریمی‌ها اما ایران همچنان با تنگناهایی مواجه بود. به همین دلیل در شرایط کنونی بحث برسر تحریم‌های ثانویه است؛ تحریم‌هایی که در عمل می‌تواند قفل و ساختارهای تحریم ایران را بشکند

آیا بایدن نیز از چنین فضایی و با از بین بردن زمان به دنبال این است که از فضای انتخابات ریاست‌جمهوری ایران به سود خود استفاده کند و از ایران امتیاز بگیرد؟

در روابط دیپلماتیک اخلاق آخرین چیزی است که وجود دارد. بدون‌تردید کار بایدن از کشتن زمان غیراخلاقی بوده است. این در حالی است که اگر نوعی دوگانگی و چنددستگی در ایران وجود داشته باشد زمینه برای کسانی که به دنبال از بین بردن زمان و گرفتن امتیازات بیشتر هستند، فراهم است. در شرایط کنونی طرح آمریکا درباره ایران مشخص است و از سوی دیگر طرح ایران نیز مشخص است. به همین دلیل به احتمال زیاد طرفین برای یک طرح توافقی به نتیجه خواهند رسید. در شرایط کنونی دیپلمات‌های دو کشور به کشورهای خود بازگشته‌اند و در حال بررسی طرح‌های مختلف هستند. به همین دلیل نیز اگر نیاز به مذاکره در سطح بالاتر مانند وزرای امور خارجه باشد تصمیم‌گیری در این زمینه صورت خواهد گرفت.

آیا توافق احتمالی آینده مکمل برجام خواهد بود یا در درون برجام تعریف خواهد شد؟

موضوع مهمی که در شرایط کنونی مطرح است بازگرداندن برجام به شرایط امروز است. این در حالی است که اختلاف طرفین بر سر تحریم‌های ثانویه است. تحریم‌هایی که در زمان اوباما نیز به‌رغم برداشته شدن نام تحریمی‌ها اما ایران همچنان با تنگناهایی مواجه بود. به همین دلیل در شرایط کنونی بحث برسر تحریم‌های ثانویه است؛ تحریم‌هایی که در عمل می‌تواند قفل و ساختارهای تحریم ایران را بشکند.

یادداشت

کنش و واکنش‌های ایران و اسرائیل

فریدون مجلسی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

سال‌هاست که جنگی پنهان بین اسرائیل و ایران در منطقه جریان دارد. اما در سایه همین جنگ پنهان و البته نیابتی امنیت خاورمیانه با شدت و ضعف تحت‌الشعاع قرار گرفته است. از فلسطین و لبنان گرفته تا سوریه، عراق، یمن و اخیرا هم کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و حتی خود اسرائیل و ایران. البته به نظر می‌رسد سناریوی جنگ مستقیم، فراگیر و کلان بین تهران و تل‌آویو دور از واقعیت باشد و جنگ در سطح نیابتی و پنهان ادامه پیدا کند. احتمالا تا زمان تعیین تکلیف نشست وین و همچنین انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ماه پیش‌رو شاهد تداوم و تشدید سلسله کنش‌ها و واکنش‌های انتقام‌جویانه بین دو طرف باشیم، اما به نظر نمی‌رسد دو ایران و اسرائیل تمایلی به جنگ و تقابل مستقیم و گسترده داشته باشند. به هر حال اکنون برخی جریان‌های داخلی در ایران نگرانی‌هایی در قبال احیای برجام و به‌تبع آن شکست در انتخابات دارند و از طرف دیگر نگاه و تمایل دولت با ایران برای لغو تحریم‌های ایران هم نگرانی جدی برای نتانیاهو ایجاد کرده است. به همین دلیل این دو جریان تلاش می‌کنند با برخی اقدامات تاکتیکی منافع خود را در عدم‌احیای برجام تأمین کنند. لذا باید دید که خروجی نشست وین چه خواهد بود تا بتوان ارزیابی دقیق‌تری داشت. با این وصف و در پاسخ مشخص به سوال شما تا همین جای کار هم امنیت خاورمیانه قربانی این جنگ پنهان و نیابتی ایران و اسرائیل شده است. خصوصا که اکنون تل‌آویو پای خود را به پشت مرزهای آبی ایران در خلیج‌فارس و دریای عمان رسانده است. این امر نشان می‌دهد سطح منازعه و تنش طی سال‌های پیش‌رو بالقوه در حال افزایش است. نکته مهمی که در این بین وجود دارد ناظر به نگاه دولت جو بایدن است. به هر حال عربستان سعودی اکنون به این درک رسیده است که دولت بایدن سعی می‌کند پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برجام را به یک نتیجه مطلوب برساند تا به پکن برسد؛ چون بایدن اولویت خود را بر تقابل با چین قرار داده است. بنابراین عربستان سعودی هم برای حفظ امنیت خود در منطقه ناچار شده است به موازات برگزاری نشست وین با میانجیگری و وساطت مصطفی الکاظمی، نخستوزیر عراق شرایط را برای کاهش تنش با جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار دهد. بنابراین پیروزی یا شکست در نشست بغداد تا اندازه زیادی وابسته به خروجی نشست وین است. اگر در وین نهایتا احیای برجام و لغو تحریم‌ها عملیاتی شد، عربستان سعودی هم به این واقعیت می‌رسد که ایران دوباره می‌تواند قدرت خود را احیا کند. لذا ناچار است به سمت کاهش تنش با تهران ذیل نشست بغداد گام بردارد. در این صورت اگرچه اسرائیل نگرانی مضاعفی در قبال دو نشست وین و بغداد پیدا می‌کند و شاید پیرو نکات و گفته‌های قبلی حتی اقدامات تاکتیکی و خرابکارانه مجدد دیگری را هم انجام دهد، اما به نظر نمی‌رسد حتی در صورت موفقیت در انجام این خرابکاری‌ها بتواند معادله را در سطح راهبردی تغییر دهد؛ خصوصا که دولت جو بایدن هشدار جدی به تل‌آویو داده است. البته طی روزهای اخیر مقامات صهیونیستی و اسرائیلی سفرهای متعدد و پی‌درپی به ایالات متحده داشته‌اند تا بتوانند با رایزنی‌های متعدد، فشار و لابی با مجلس سنا و مجلس نمایندگان مانع جدی برای احیای برجام و لغو تحریم‌ها در سایه نشست وین ایجاد کنند. در داخل نیز احیای برجام و لغو تحریم‌ها تا زمانی که نتیجه ملموسی بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم نداشته باشد، نمی‌تواند باعث مقبولیت این جریان (حامی برجام) نزد افکار عمومی شود. طبق گفته‌های تیم مذاکره‌کننده و نیز دیگر اعضای ۴+۱ و حتی خود ایالات متحده آمریکا نشست وین در مسیر درستی قرار دارد، اما بسیار زمان‌بر است. لذا بسیار بعید است تا قبل از انتخابات خرداد ماه شاهد تغییر وضعیت اقتصادی کشور به دلیل لغو تحریم‌ها باشیم. این مساله همان چیزی که مدنظر جریان مخالف برجام در داخل کشور است.

نوشتار

بزرگ‌ترین دارایی ما

بهاءالدین خرمشاهی
استاد دانشگاه و حافظ پژوه

ما مسلمان‌ها از هر قومی (۵۵ کشور اسلامی داریم) دارایی بزرگتر از قرآن نداریم. به گمانم بیش از ۵۰ هزار کتاب درباره قرآن نوشته شده که حداکثر ۱۰ هزار کتاب خطی است. بیشتر درباره قرآن تفسیر نوشته می‌شود. یکی از کتاب‌ها الاتقان سیوطی است که الان از آن به عنوان دایره‌المعارف قرآن نام می‌بریم چون تفسیر نیست، ۸۰ فصل دارد و هر فصل علمی از علوم قرآنی را آموزش می‌دهد. حیات فرهنگی ما برپایه قرآن است. اگر فکر می‌کنید که من دین گرایانه صحبت می‌کنم، مقاله‌ای دارم که اگر به آن رجوع کنید، درباره مرجع شناسی‌هایی است که درباره قرآن درآمده است. من فقط درباره جنبه دینی یا فرهنگی قرآن صحبت نمی‌کنم، جنبه ادبی قرآن هم خیلی بالا است. قرآن و هم اثرگذاری آن. تا جایی که اگر کسی می‌خواهد در ادبیات عرب یا فارسی در یکی از کشورهای اسلامی، به جایی برسد، اگر با قرآن آشنا نباشد و عمری برای آن نگذاشته باشد، به این صورت می‌شود که استادی این بیت از حافظ را خوانده بود: مگر وقت وفا پروردن آمد/ که فالم لا تذرنی فرداً آمد. پرسیده بودند که این بیت را معنی کنید، ایشان گفته بودند که باید دید که «فا» چه فایی است و «لم» چه لمی؟ بنده مقاله‌ای نوشتم که قرآن پژوهی مقدمه واجب حافظ پژوهی است. دکتر حمیدیان، گفتند که من در این گفته مبالغه کردم ولی چون مثال زیاد بیان کردم قبول است. حال فکر نوشتن کتاب دانشنامه حافظ و حافظ پژوهی را بیان می‌کنم. من از نوجوانی یک حافظ تصحیح خانلری را برگ برگ کرده بودم و در جیب می‌گذاشتم. انجمن بین‌المللی دوستداران حافظ از من طرحی خواست و من یاد طرح جوانی، میانسالی و پیری خود افتادم. آنها توانایی مادی و معنوی انجام این کار را داشتند، ولی انجام ندادند. در این کتاب باید اندازه قابل قبول پیدا می‌کردیم، اگر می‌گفتیم که هرچه مربوط است نوشته شود، حجم زیادی باید جمع می‌شد. ما در درجه دوم این سوالیم، هرچه ارتباط زیاد دارد را در کتاب بیان کردیم. برای مثال دکتر نوذری ۲۷۸ پایان نامه با موضوع حافظ از اول تأسیس کتابداری راهر یک یا دو سطر نوشتند. از «آب» شروع کردیم. که به دو گروه تقسیم می‌شود: یک گره مربوط به شعر و شخصیت حافظ و یک گروه مربوط به زندگی و زمانه و پژوهش‌های حافظ شناسانه.